

معرفی و نقد کتاب تاریخ مطالعات زبان شناسان مسلمان

زهرا زندی مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تاریخ مطالعات زبان شناسان مسلمان، کیس ورستیگ، ترجمه زهرا ابوالحسنی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۱، ۲۳۶ صفحه.

در اکثر پژوهش‌های تاریخی در خصوص دوره تکوین سنت زبان‌شناسی عربی، بیشتر تلاش‌ها در جهت مرتبط ساختن خاستگاه زبان‌شناسی عربی به سنت‌های زبان‌شناسی غربی بوده است. برای مثال، مدعا این است که در قدیمی‌ترین آثار ردّپایی از تأثیر خارجی (یونانی/سریانی)، به‌ویژه در حوزه تقسیم‌بندی اقسام کلمه و اصطلاحات مربوط به واژه‌ها و پایانه‌های صرفی، دیده می‌شود. تلاش ورستیگ، در بیان اینکه علوم شرقی بنیانی غربی دارند، سوگیری‌ای است که متأسفانه اکثر تاریخ‌نگاران غربی به آن مبتلا هستند (نک. ص ۱۰۸، پانوش ۱). کتاب تاریخ زبان‌شناسی نگاشته پیترا. ام. سورن، با ترجمه زنده‌یاد دکتر علی محمد حق‌شناس (۱۳۸۸) نمونه دیگری از چنین رویکردی است؛ با این حال، نظر بوهاس و همکاران (Bohas et.al. 1990) را نباید از نظر دور داشت که معتقد است حجم بسیار اندک اختصاص یافته به دستوریان عرب در کتاب‌های مرجع تاریخ زبان‌شناسی، تناسبی با اهمیت حقیقت این سنت ندارد. دکتر محمد دبیرمقدم، زبان‌شناس برجسته و

استاد توانمند و فرهیخته، در مصاحبه‌ای که در وبگاه «اطلاعات حکمت و معرفت» با عنوان «رده‌شناسی زبان‌های ایرانی» درج شده، در مورد منشأ علم زبان‌شناسی چنین اظهار کرده است:

زبان‌شناسی اساساً علمی است شرقی و خاستگاه شکوهمند آن به سنت دستورنویسی هندی (به قبل از قرن چهارم پیش از میلاد مسیح) بازمی‌گردد. نقطه عطف آن سنت، کتاب دستور پانینی است که اندکی کمتر از چهارهزار قاعده زبانی سرودهای دینی ودائی را شامل می‌شود. بدین ترتیب، در هندوستان بود که مطالعه فی‌نفسه مستقل زبان آغاز گشت.

کتاب حاضر از معدود کتاب‌های روشمند و نسبتاً بی‌طرفانه‌ای است که به معرفی آراء اندیشمندان و فلاسفه و دیگر بزرگان اثرگذار در روند تاریخی تکوین زبان‌شناسی و به طور اخص دستور پرداخته است. در این اثر به طور غیر عامدانه نشان داده شده که سنت زبان‌شناسی عربی به شکل قابل ملاحظه‌ای از تأثیرپذیری از بیگانه برکنار بوده، در نتیجه نظام فکری زبان‌شناختی دستوریان عربی در تحلیل پدیده زبان، از بسیاری جهات، از روش متفکران غربی متمایز است. افزون بر این، در این اثر به نقش برجسته دانشمندان ایرانی نیز در شکوفایی سنت زبان‌شناسی عربی اشاره شده است. حضور ایرانیان در عرصه دستورنویسی و صرف و نحو عربی آن‌چنان پررنگ و قوی است که کمتر اثر و منبعی را می‌توان یافت که مسائل دستوری زبان عربی را بررسی کرده باشد و به نام نویسندگان ایرانی اشاره‌ای نکرده باشد.

بنا به تصریح مترجم، مطالب کتاب به‌گونه‌ای انتخاب شده که امکان مقایسه میان سنت اسلامی - عربی و سنت رایج غربی به وجود آمده است و این از امتیازات کتاب حاضر به شمار می‌رود. این بررسی تطبیقی به شناخت ویژگی‌های بارز هر یک از دو سنت یادشده و در نهایت ایجاد تفکری بدیع درباره تاریخ زبان‌شناسی منجر گشته است.

از فواید دیگر این اثر جنبه آموزشی آن است. این کتاب برای دانشجویان رشته زبان‌شناسی به‌عنوان منبع اصلی درس «تاریخ مطالعات دانشمندان ایرانی و اسلامی درباره زبان» در مقطع کارشناسی ارشد و به‌عنوان منبع جنبی برای درس «زبان‌شناسی در جهان

اسلام» در مقطع دکتری ترجمه شده است. ضمن اینکه کتاب حاضر می‌تواند برای دانشجویان رشته‌های دیگر، به خصوص عربی و فلسفه، نیز سودمند باشد.

مندرجات کتاب مشتمل است بر یادداشت مترجم، مقدمه، سیزده فصل، منابعی برای مطالعه بیشتر و فهرست منابع.

یادداشت مؤلف به بیان انگیزه وی از انتخاب چنین موضوعی و نیز ویژگی‌های کتاب حاضر اختصاص یافته است. در انتهای این بخش مؤلف از کسانی که او را در ترجمه این کتاب یاری داده‌اند تشکر و قدردانی کرده است.

در مقدمه به این نکته اشاره شده که سنت اصلی زبان‌شناسی (قرن اول هجری قمری) به عرب‌زبانان تعلق داشته است. توصیف سیر تاریخی جریان‌های دخیل در تحول زبان‌شناسی و نیز زبان عربی قرآن، خاستگاه زبان‌شناسی اسلامی و سیر پیشرفت آن، همچنین سیر تحول زبان فارسی و تبدیل آن به زبان فرهنگی، مبحث بعدی این بخش است. در ادامه به عاملی پیدایش علم دستور، یعنی فساد زبان عربی در قرون نخستین حکومت اسلامی اشاره شده و از تاریخچه توسعه علم در دنیای اسلام سخن به میان آمده است. به استناد منابع عربی، پیدایش دستور و نخستین تلاش‌ها در علم دستور و نخستین منابع مکتوب دستوری، به لغت‌نامه عربی خلیل بن احمد و توصیف دستوری زبان عربی توسط سیبویه اشاره می‌کند. اسامی بیش از ۴۵۰۰ دستوری و واژه‌نگار در فرهنگ شرح حال‌ها که بین سال‌های ۸۴۱-۹۰۵ ق فعال بوده‌اند، ذکر شده است.

مترجم در این بخش به مشکلات موجود در بررسی سنت‌های زبان‌شناسی غیر غربی، یعنی ترجمه اصطلاحات فنی نیز اشاره کرده است. معرفی مباحث طرح شده در این کتاب در بخش پایانی مقدمه آمده است.

فصل اول، «زبان‌شناسی و علم تفسیر: مقاتل و تفسیر قرآن»، به آغاز تفکر زبان‌شناختی در دنیای اسلام در قالب تفسیرهای اولیه قرآن (قرن دوم ق) پرداخته است.

در فصل دوم، «الخلیل و واژگان عربی»، نقش الخلیل (خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم فراهیدی، وفات: ۱۷۵ ق)، زبان‌شناس و از جمله برجسته‌ترین پژوهشگران فقه اللغة

عربی که به پژوهش‌هایی در زمینه تصحیح نظام نوشتاری عربی و فرهنگ‌نگاری و عروض همت گماشته است، در رشد آواشناسی و فرهنگ‌نگاری بررسی شده است. بنا بر قول علامه حلّی^(۶) وی شیعه بوده و اولین جامع‌نگار لغات عربی به نام العین است (سیوطی ۱۴۲۵: ۸۹۶). این کتاب مجموعه‌ای جامع و گران‌بها از لغات مورد استفاده در قرن دوم هجری است. در این اثر کلمات عربی بر اساس مخارج الحروف و نه بر اساس ترتیب الفبا مرتب شده‌اند. علت نام‌گذاری این کتاب از این جهت است که نیمی از آن شامل کلماتی است که یکی از حروف اصلی آنها حرف عین است. یافته‌های وی در حوزه آواشناسی عربی در مقدمه این فرهنگ لغت، مبنایی برای تلاش‌های بعدی در زمینه فرهنگ‌نگاری عربی گشت. در این اثر به اجمال نظام فرهنگ‌نگاری مورد استفاده در کتاب و همچنین پیشرفت‌های بعدی در فرهنگ‌نویسی به تصویر کشیده شده است.

فصل سوم، «سیبویه و آغاز دستور عربی»، به معرفی دانشمند مسلمان و ایرانی و بنیان‌گذار دستور عربی، سیبویه (وفات: ۱۷۷ ق) اختصاص دارد. او نویسنده کتاب، اولین تحلیل جامع ساختار زبان، در سنت عربی است که برای قرن‌ها نه تنها الگو، بلکه منبع بود. سیبویه در کتاب خود دستور زبان عربی را به دقت و به شیوه‌ای علمی تدوین کرد. این قواعد به حدی استوار و جامع بود که تا قرن‌ها بعد نحویان نتوانستند مطلب جدیدی بر آن بیفزایند و تنها به شرح و تبیین آن بسنده کردند. عناوین مهم این فصل عبارت‌اند از: اصول کلی دستور که سیبویه در قسمت‌های نخستین کتاب عرضه می‌کند، همچنین جنبه‌های روش‌شناختی رویکرد وی در زبان‌شناسی (نظریه دستور به‌عنوان نظام تبیینی؛ تحلیل هم‌زمانی زبان بر اساس پیکره داده‌های محدود؛ وضعیت گویشور بومی). با آشنایی جهان عرب با فلسفه و منطق یونان در قرن سوم قمری، بحث بر سر ارتباط بین زبان و تفکر میان فلاسفه و دستوریان اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. به اعتقاد دبیرمقدم (۱۳۸۹: ۳) برجسته‌ترین جلوه‌های زبان‌شناسی غیرعربی (غیریوانی - رومی) را در زبان‌شناسی هندی و زبان‌شناسی جهان اسلام می‌توان یافت. درباره اهمیت فوق‌العاده و منزلت والای زبان‌شناسی هندی و به‌ویژه مشهورترین شخصیت علمی آن، یعنی پانینی، میان تاریخ‌نگاران زبان‌شناسی

اتفاق نظر وجود دارد، اما درباره زبان‌شناسی در جهان اسلام چنین اجماعی دیده نمی‌شود. وی در مقاله خود کوشیده است با معرفی آراء و اندیشه‌های زبان‌شناختی سیبویه، دستاوردهای او را در گستره مفاهیم مطرح در مکاتب نوین زبان‌شناسی ارزیابی کند.

فصل چهارم، «مناظره بین منطقی و دستور (نحو)»، به بحث بین یک منطقی (ابوبشر متی بن یونس) و یک دستوری (ابوسعید السیرافی) بر سر مفهوم معنی، به عنوان نمونه‌ای از برخورد آراء بین این دو رشته، پرداخته است. این مواجهه با منطق یونانی عمیقاً در رشد تفکر اسلامی، به طور عام، تأثیر کرد، که به رغم مخالفت دستوریان با ادعاهای منطقیون، این تأثیرگذاری بر دستوریان آشکار گشت.

فصل پنجم، «تکوین نظریه زبانی: الزجاجی و تبیین زبان‌شناختی»، به معرفی یکی از اصیل‌ترین نویسندگان قرن چهارم، یعنی الزجاجی پرداخته است. وی سطوح مختلف بنیان استدلال‌های زبان‌شناختی را بررسی کرد. تمایزی که وی در استدلال‌های زبان‌شناسی در سطوح آموزشی و قیاسی و نظری ایجاد کرده یکی از کم‌نظیرترین تلاش‌هایی است که در سنت عربی برای ایجاد یک فرانظریه صریح زبان‌شناختی انجام یافته است. تداوم اشتها الزجاجی به سبب نظریه استدلال زبان‌شناختی‌اش نیست، بلکه بیشتر به دلیل کتاب‌هایی است که در زمینه اصول دستوری به رشته تحریر درآورده است.

فصل ششم، «ارتباط بین زبان و تفکر: فارابی و زبان»، به معرفی فارابی (ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلیغ)، ارسطوی ثانی، که در بین فلاسفه اسلامی اعتبار و شهرت خاصی دارد، پرداخته است. وی از پدری ایرانی الاصل و مادری ترک در شهر فاراب از بلاد ترکستان زاده شد. یکی از دلایل شهرت وی آثار فراوانی است که در شرح و تفسیر فلسفه افلاطون و ارسطو نوشته است. به طور کلی، خارج کردن فلسفه و منطق از شاخه علمی دستور مانع نشد که فلاسفه آرای خود را درباره زبان و تفکر به صورت شرح بر آثار یونانی بسط دهند. آراء فارابی (قرن چهارم ق) درباره رابطه بین زبان و تفکر و همچنین دستور فلسفی بر پایه شرح بر آثار ارسطو، از جمله مباحث طرح‌شده در این فصل است.

فصل هفتم، «اخوان‌الصفاء و نظریه صدا و معنا»، به گروهی از دانشمندان اختصاص

دارد که در رشد تفکر عربی دربارهٔ زبان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. اخوان‌الصفاء (قرن چهارم ق) دایرة‌المعارفی تدوین کرد که تلفیقی از خرد و دانش اسلامی و یونانی بود. بخشی از این دایرة‌المعارف به بررسی صوت فیزیکی و جایگاه آن در زبان می‌پردازد که در آن نظریه‌ای بسیار اصیل در خصوص صدا و ایجاد ارتباط ارائه شده است.

فصل هشتم، «خاستگاه زبان: ابن جنّی و دو دیدگاه»: از قرن سوم هجری به بعد، برخی از دستوریان عربی مکتب معتزله، تحت نفوذ آراء جدید فلاسفه یونان، توجه خود را به خاستگاه زبان معطوف کردند. توحیدگرایان اندیشهٔ منبع الهی زبان را پیش کشیدند، درحالی‌که عقل‌گرایان نقش دخالت انسان را مهم می‌پنداشتند. در کتاب ابن جنّی (وفات ۳۹۳ ق) دربارهٔ این دو نظریه به تفصیل بحث شده و جایگاه آنها در بافت کلامی و زبان‌شناختی مشخص گشته است.

فصل نهم، «رویکردی جدید در معناشناسی زبان: جرجانی و سگّاکي در موضوع معنا»: اگرچه جهت‌گیری کلی همهٔ دستوریان عربی صوری/ نحوی بود، بعضی از دستوریان از شمول ملاحظات معنایی و کاربردشناختی در نظریهٔ زبان‌شناسی جانب‌داری کردند. جرجانی و سگّاکي (قرن پنجم ق) برجسته‌ترین طرف‌داران این گرایش هستند که به نحو گسترده‌ای در پیشرفت بعدی دستور عربی تأثیر کردند. در این فصل رویکردی جدید طرح می‌شود و تفاوت‌های معنایی زبان و نقش زبان در ارتباط مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل دهم، «ویژگی قراردادی زبان: علم وضع زبان»: از قرن چهارم هجری به بعد زبان و زبان‌شناسی به موضوع مهمی در مطالعهٔ مناسب حقوقی زبان در رشتهٔ اصول‌الفرقه تبدیل شد. برخی از دستوریان عربی، با قرار گرفتن در موضع معتزله، با نگاه به زبان به‌عنوان نظامی قراردادی و وضع‌شده کوشیدند تا رابط بین نشانهٔ زبانی و مدلول را تعریف کنند. رازی (قرن پنجم ق)، مفسر قرآن، در خلاصهٔ خود از این دانش، بعضی از این اصول را توضیح داده است.

فصل یازدهم، «ابن مضاء و گمان‌شکنی دستوریان»: البته همهٔ متخصصان به چارچوب کلی نظریه‌های دستوری عربی محدود نشدند. دستوری اندلسی، ابن مضاء (قرن ششم ق)، به دلیل اعتقادات کلامی خود ساختار عقل‌گرای نظریهٔ زبان‌شناسی عربی را رد کرد و به تفصیل

نشان داد که نظریه پردازی دستوریان غیر ضروری بوده است. در سنت عربی به انتقاد او توجهی نشد، اما در دوره های جدید تلاش وی برای آزاد کردن دستور از چارچوب نظریه، در نوین سازی آموزش زبان شناسی در مصر مورد استفاده قرار گرفت.

فصل دوازدهم، «ابن خلدون و تاریخ زبان عربی»، به معرفی ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حَضْرَمِی، معروف به ابن خلدون، تاریخ نگار و جامعه شناس و مردم شناس و سیاستمدار عرب مسلمان، اختصاص دارد. وی از پیش گامان تاریخ نگاری به شیوه علمی و از پیش گامان علم جامعه شناسی است. وی کتابی در موضوع تاریخ جهان موسوم به العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی معرفة ایام العرب و العجم و البربر در هفت جلد به رشته تحریر در آورد که به دلیل سبک بدیع و نگرش نوینش، توجه بسیاری را به خود جلب کرد. کتاب او با نام مقدمه ابن خلدون در ایران شهرت دارد و محمد پروین گنابادی آن را به فارسی ترجمه کرده است. او به عنوان بزرگ ترین اندیشمند شرق شناخته می شود. در این فصل به انگیزه اصلی ظهور دستور، به عنوان یک رشته مستقل، مبنی بر تمرکز بیشتر دستوریان بر زبان معیار و نبود علاقه به گونه بومی زبان آنها، پرداخته شده است. در نتیجه، در این رویکرد هیچ ردپایی از رویکرد در زمانی به زبان موجود نیست؛ بدین معنی که دستوریان به گونه ای عمل کردند که گویی زبان عربی در همه ادوار دست نخورده و بدون تغییر باقی مانده است و ناگزیر برای ارزیابی موقعیت زبان شناسی و رشد در زمانی زبان باید به نویسندگانی خارج از این رشته مراجعه کرد. ابن خلدون (قرن هشتم ق) در مقدمه نظریه ای را درباره توسعه جامعه انسانی مطرح می کند که در آن نقش زبان نیز به بحث گذاشته شده است. در متن ترجمه شده از وی در این فصل، نظر او درباره خاستگاه «فساد زبان» و همچنین ظهور دستور به منزله سلاحی در برابر تغییر زبانی مورد بحث قرار می گیرد.

فصل سیزدهم، «انگاره زبان عربی و دیگر زبان ها: توصیف ترکی و عبری»: برخی از دستوریان عرب، به علت بی علاقه به مطالعات در زمانی، و برخی دیگر به علت خوار شمردن زبان های غیر عربی، به مطالعه زبان های دیگر پرداختند. اما وضع آن دسته از دستوریان عبری که عربی می نوشتند متفاوت بود. آنها به رابطه بین عربی و عبری و آرامی

علاقه‌مند بودند و از پدیدآورندگان اولین دستورهای تطبیقی زبان‌های سامی به شمار می‌رفتند. در میان دستوریان عرب دانشمندی وجود دارد که انحصاری بودن عربی را به‌عنوان هدف تحقیق در هم شکست. ابوحنّان (وفات ۷۴۵ ق) توصیف‌های دستوری ترکی و مغولی و اتیوپیایی را با استفاده از الگوی دستور عربی برای تحلیل این زبان‌ها نوشت. در این فصل در باب استفاده از انگاره عربی برای زبان‌های دیگر به‌جز عربی، از قبیل عبری و ترکی، بحث شده است.

در بخش «منابعی برای مطالعه بیشتر» منابعی که در شفاف‌سازی مباحث طرح‌شده در بخش‌های مختلف کتاب به یاری خواننده می‌آیند معرفی شده‌اند. در این اثر تفاوت نحوه معرفی «منابعی برای مطالعه بیشتر» با شیوه رایج در آثار پیشین به‌وضوح مشهود است. در آثار پیشین، این منابع در پایان هر فصل معرفی شده‌اند، در حالی که در کتاب حاضر این بخش در پایان کتاب و پیش از فهرست منابع آمده است و در عوض برای هریک از بخش‌های کتاب، به‌طور جداگانه، منابعی معرفی شده است. برای نمونه، در فصل سیزدهم برای تحلیل نظام‌مند و مفصل روش‌های ابوحنّان و آثار به‌کارگیری مدل عربی، به اِرْمِرس (۱۹۹۵) ارجاع داده شده که به گفته مؤلف، برخی از مطالب این فصل از تحلیل وی اقتباس گردیده است؛ یا برای سنت مطالعات زبانی عثمانی به کارزلیک (۱۹۹۴) اشاره شده است. کتاب از نظر رسم‌الخط دارای اشکالاتی جزئی است و به‌طور کلی در این کتاب، در اکثر موارد، رسم‌الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی رعایت شده است، به استثنای موارد ذیل:

— عدم رعایت فاصله‌گذاری: راه حل ← راه‌حل (ص ۱۰، س ۱۲)

— عدم رعایت یکدستی در درج کسره اضافه در واژه‌های مختوم به های غیر ملفوظ: علاقه

فارابی (ص ۱۰۴، پ ۲، س ۱)، زمینه مشترک ← زمینه مشترک (ص ۱۰، س ۱)

کتاب حاضر از جنبه‌های مختلف قابل تأمل است. اول آنکه در این اثر سعی شده است تا رخدادهای زبانی هر دوره‌ای، در چارچوب واقعیت‌ها و رخدادهای علمی - فرهنگی و اجتماعی - سیاسی همان دوره بررسی و عواملی که در ظهور علم زبان‌شناسی دخیل بوده‌اند آشکار شوند. در این کتاب، با نگاهی دقیق و موشکافانه، گوشه‌هایی از چهره‌ها و

جنبش‌های آن دوران بازیابی شده است. در ضمن، در این کتاب به نقش نهضت‌های فکری و فلسفی دانشمندان ایرانی مسلمان در پیشبرد زبان‌شناسی توجه ویژه‌ای شده است. از مزایای کتاب حاضر که مترجم در یادداشت خود بر آن تصریح کرده، غنا و عمق این اثر و تمرکز آن بر موضوعات عمده و تاریخ‌ساز زبان‌شناسی، با تکیه بر نظریه‌پردازی شخصیت‌های علمی این حوزه‌هاست.

از دیگر ویژگی‌های کتاب فراهم نمودن امکان تطبیق این تحقیقات با رویکردهای امروزی در زبان‌شناسی است. مترجم، آن‌گونه که خود ابراز کرده است، به دلیل عدم تسلط کافی مؤلف انگلیسی‌زبان بر متن عربی، بسیاری از نقل‌قول‌های ترجمه‌شده از عربی به انگلیسی را با اصل عربی آن مطابقت داده و بسیاری از آنها را اصلاح کرده است. به گفته زنده‌یاد دکتر حق‌شناس «ترجمه حاضر از هر نظر مطلوب و خوشخوان است. این از نوع ترجمه‌هایی است که من آرزوی خواندنش را دارم».

از فواید دیگر کتاب حاضر اشاره به این مطلب است که اکثر قریب به اتفاق زبان‌شناسان تاریخ اسلام، غیر عرب و به خصوص ایرانی بوده‌اند که زبان عربی، زبان دوم آنان بوده است. مطالعه این کتاب در شناسایی آراء زبان‌شناختی مفاخر ملی ما مؤثر خواهد بود.

این اثر با معرفی خاستگاه زبان‌شناسی اسلامی، قرآن و شروع تفکر زبان‌شناسی در دنیای اسلام در قالب تفسیرهای اولیه قرآن، ارتباط بین تفسیر و دستور، همچنین با تمرکز بر آراء شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذاری چون الخلیل، بنیان‌گذار لغت عرب و نقش او در رشد آواشناسی و فرهنگ‌نگاری؛ سیبویه، بنیان‌گذار دستور عربی؛ الزجاجی و نقش او در توجیه زبان‌شناختی؛ فارابی و ارتباط بین زبان و تفکر؛ اخوان‌الصفاء و نظریه صدا و معنا؛ ابن‌جنی و دو دیدگاه (دین‌بنیاد و انسان‌مدار)؛ جرجانی و سگاک‌کی که در خصوص موضوعاتی چون اندیشه‌های عمومی درباره ماهیت زبان و ارتباط زبان و تفکر و خاستگاه زبان و یا ساخت زبان‌های دیگر به غیر از عربی طرحی ارائه کرده‌اند، به معرفی خاستگاه دستور به‌عنوان یک علم و سیر پیشرفت آن پرداخته است.

در مجموع، در این اثر سیر تکوین زبان‌شناسی، به‌ویژه دستور، از آغاز لغت‌نویسی عربی

(قرن چهارم) که با الخلیل، مؤلف کتاب العین، آغاز گشت و پویایی و بالندگی فرهنگ‌نویسی و نزدیک شدن به درجه کمال در القاموس فیروزآبادی، تا ظهور دستور به‌عنوان رشته‌ای علمی و مستقل در الکتاب سیبویه و تلاش زجاجی برای ارائه یکی از بی‌نظیرترین فرانظریه‌های زبان‌شناسی، به تفصیل آمده است.

پژوهش‌هایی از این دست جایگاه برجسته قرآن را در فرهنگ و ادبیات برای دانش‌پژوهان و محققان این حوزه آشکارتر می‌سازد و نقش برجسته دانشمندان ایرانی را در شکوفایی سنت زبان‌شناسی عربی نشان می‌دهد. روشنگری در باب تأثیرات قرآن در فرهنگ و ادبیات عرب و طرح کم‌توجهی‌های برخی از ادیبان به آن، زمینه بهره‌مندی بیشتر از این کتاب الهی را در عرصه تدوین قواعد ادبیات عربی فراهم می‌کند.

بنابراین، به جرئت می‌توان اظهار کرد که خاستگاه زبان‌شناسی در مشرق زمین بوده است. ابن خلدون (تونس، ۷۳۲ - ۸۰۶ یا ۸۰۸ ق) در مورد جایگاه دانش در ایران پیش از اسلام نوشته است: «جایگاه علوم عقلی در نزد پارسیان بسیار والا بود و حیظه‌های آنها بسیار گسترده بوده است؛ چرا که دارای حکومت‌های پایدار و باشکوه بودند».

کتاب حاضر بی‌گمان اطلاعات و دانش جامعه زبان‌شناسی ایران را از پیشینه علم زبان در جهان اسلام ارتقا می‌دهد. زبان ترجمه متن فارسی روان و قابل فهم است؛ هرچند، مترجم تا حدودی تحت تأثیر زبان مبدأ بوده است.

هدف این کتاب دادن آگاهی به زبان‌شناسان زمان ما درباره تاریخ تحولات زبان‌شناسی، به منظور بازیابی پیوند خود با سنت و گذشته زبان‌شناسی است. بسیاری از نظریه‌های علمی دانشمندان ایرانی و مسلمان، به علت نابسامانی در جوامع اسلامی و نبود متولی‌ای برای سر و سامان بخشیدن به یافته‌های علمی آنان، در قرون اخیر با تغییراتی جزئی، به نام دانشمندان غربی به ثبت رسیده است. از سوی دیگر، تأملی در تاریخ اسلام نشان می‌دهد که از ابتدای شکل‌گیری تمدن اسلامی (قرن دوم هجری) تا کنون هیچ‌گاه حوزه‌های گوناگون فرهنگی از حضور بزرگان شیعه خالی نبوده است. در دو قرن نخستین اسلام، بنا به عللی، پیشرفت چندان‌ی در علوم و فنون صورت نگرفت، اما از قرن سوم با تشکیل دولت عباسی و نفوذ

ایرانیان در دستگاه خلافت، اندک‌اندک توجه به علوم آغاز شد. ابن‌خلدون (۱۳۶۹: ۶۴) می‌نویسد: «از امور غریب یکی این است که حاملان علم در اسلام غالباً از عجم بودند».

منابع

آ. ام. سورن، پیتز (۱۳۸۸)، تاریخ زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق‌شناس، سمت، تهران؛
ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۹)، المقدمه...، ج ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران؛

حق‌بین، فریده (۱۳۹۲)، زبان‌شناسی ایرانی: نگاهی تاریخی از دوره باستان تا قرن دهم هجری قمری، نشر مرکز، تهران؛

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۹)، «سیبویه: زبان‌شناس و دستورنویس»، مجله دستور، ش ۶: صص ۳-۴۴؛
_____، (۱۳۹۲)، «رده‌شناسی زبان‌های ایرانی»، گفت‌وگو با وبگاه «اطلاعات حکمت و معرفت»، دیده شده در ۱۳۹۳/۸/۲۱، قابل دسترسی در:

<http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php?option=com_content&view=article&id=850:1392-11-05-06-30-36&catid=52:mag-10&Itemid=62>

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۵)، بغیة الوعاة، دارالفکر، بیروت؛

Bohas, Georges et.al. (1990), *The Arabic Linguistic Tradition*, New York & London: Routledge.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی